

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای چهل و دوم (ختم قرآن)

جلسه ۱۳

۱۳۹۶/۰۲/۱۸

■ الگویی برای خودسازی جوانان

■ چند نکته درباره‌ی حضرت علی اکبر (علیه السلام)

۱. سن حضرت

۲. مادر حضرت

۳. معرفی توسط پدر

۴. وجوه مختلف شباهت حضرت علی اکبر به پیامبر

الف) شباهت جسمی

ب) شباهت در اخلاق و گفتار

ج) شباهت در محاسن و مکارم اخلاق

د) شباهت در عزت و صلابت

■ دو باب تشرف به محضر حضرت ابا عبدالله (علیه السلام)

■ نقشه‌ی خودسازی جوانِ پیرو اهل بیت

■ اهمیت دوران جوانی در خودسازی

■ تلاش برای حضور حداکثری در انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَرَدَّاهُ

الگویی برای خودسازی جوانان

طبق این قاعده، مسیر خودسازی جوانان خود را تسهیل سازند و آنان را یاری کنند. وقتی مبارک می‌شود که مراکز علمی و دانشگاهی و آموزش و پرورش ما طبق این قاعده فرزندان میهن را تربیت کنند. وقتی مبارک می‌شود که دولت و مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاران ما طبق همین قاعده، مسیر اعتلای جوانان را آماده سازند و از نیروی شگفت‌انگیزی که خدای متعال در وجود آنان به ودیعت گذاشته، در مسیر پیشبرد اهداف الهی و تحقق آرمان‌های الهی استفاده کنند. وقتی ما می‌گوییم مبارک باشد، منظورمان چنین دعاهایی است.

روز بسیار شیرینی برای همه‌ی ما است و طبق قاعده که جلسه‌ی ما با مناسبت مقارن می‌شود، امروز هم چنین شده و جلسه‌ی ما در روزی عزیز است. من به همین مناسبت دو

سالروز ولادت پربرکت، فرخنده و مسعود جوان تراز اسلام، نور چشم اولیا، بهجت قلب سیدالشهدا (علیه السلام)، جناب علی اکبر (صلوات الله و سلامه علیه) را به ساحت مقدس حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و همه‌ی ارادتمندان و دوستان آن حضرت، به‌ویژه جامعه‌ی جوانان پیرو اهل بیت (علیهم السلام)، مخصوصاً جمع حاضر تبریک عرض می‌کنم؛ ان‌شاءالله خدا هم مبارک بگرداند. وقتی مبارک می‌شود که جوانان ما در هندسه‌ی شخصیتی خودشان و در جریان خودسازی، به این شخصیت ممتاز مراجعه، و بر اساس این الگو، خودسازی خود را برنامه‌ریزی کنند. وقتی مبارک است که پدر و مادرها

سه جمله عرض می‌کنم. حضرت، فرزندان‌ی به اسم علی اوسط و علی اصغر هم داشته‌اند و گفته‌اند هر چه فرزند پسر داشته باشم، نامشان را علی می‌گذارم. به این ترتیب امام سجاد (علیه السلام) که علی اوسط نام داشته‌اند، متأخر از حضرت علی اکبر هستند. علی اصغر هم که تعریف شده و مشخص است.

در بعضی زیارت‌نامه‌ها سخن از عترت، خانواده، ذریه و فرزندان او است که همه‌ی اینها مساعد نظر دوم است؛ گرچه نظر اول را هم برخی بزرگان شیعه مطرح و تأکید کرده‌اند، از شواهد و قرائن، نظر دوم به دست می‌آید.

۲. مادر حضرت

طبق بررسی‌ها مادر بزرگوار حضرت، در ایام شهادت او از دنیا رفته یا اگر هم زنده بودند، در جریان حادثه‌ی کربلا حضور نداشتند. ایشان بانویی جلیل‌القدر به نام لیلا بوده‌اند که به لحاظ

سه جمله عرض می‌کنم.

چند نکته درباره‌ی حضرت علی اکبر (علیه السلام)

۱. سن حضرت

در مورد سن حضرت علی اکبر (سلام الله علیه)، دو نقل هست که یکی در افواه بیشتر مشهور است و آن اینکه زمان شهادت هجده سال داشته‌اند. اما بنا بر نقلی دیگر در زمان شهادت ۲۷ ساله بوده‌اند، یعنی در سال ۳۳ هجری که ایام خلافت عثمان است، متولد شده‌اند. طبق نقل دوم، وجود نازنین حضرت در قله و اوج جوانی از نظر کمال شخصیتی و فکری و اخلاقی است و به همه‌ی مقاصد دست پیدا کرده است. در این سن، به تمام معنا، کامل و مثال‌زدنی است. ما طبق مراجعاتی که به منابع داشتیم، قول دوم را بیشتر پسندیدیم؛ یعنی ایشان فرزند بزرگ‌تر حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) هستند و این در اسمشان هم تعبیه شده است.

خودمان در این روز عزیز، بهترین سلام‌ها و درودها را به روح حضرت اهدا می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم از جانب ما و حضرت سیدالشهدا و حضرت علی‌اکبر (علیه السلام)، بهترین پاداش‌ها را به این بانوی بزرگ اهدا نماید.

۳. معرفی توسط پدر

حضرت علی‌اکبر در دعای سیدالشهدا (علیه السلام) معرفی شد. امام هنگام حرکت علی‌اکبر این آیه را خواندند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» [۱] به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است». بعضی از مدققین می‌گویند از این آیه استفاده می‌شود که افق شخصیتی حضرت علی‌اکبر، افق عصمت بوده است. گویا حضرت در این آیه به این موضوع اشاره‌ای داشته‌اند. ایشان در امتداد سلسله‌ی انبیا جزء برگزیدگان

نسب، گرامی بودند و دختر جناب ابی مرّه است و جد ایشان ابی مسعود است که پیامبر در مورد او فرمودند: «در قوم خودش مثل مؤمن در میان آل فرعون است» و از رجالی است که اسلام آورد و حمایت کرد و به شهادت هم رسید؛ همان‌طور که مؤمن آل یس را به شهادت رساندند. از نظر ویژگی‌های شخصیتی، تاریخ‌الکن است و زبان ندارد و معمولاً چون بانوان در حرم ستر و عفاف بوده‌اند، مطالب کمی درباره آنها نقل شده، اما می‌توان حدس زد کسی که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به‌عنوان همسر پسندیده‌اند و می‌تواند شخصیتی مانند علی‌اکبر را به عالم هدیه کند، انسانی متفاوت است که توان حمل این ظرفیت را داشته است.

ما که همه ریزه‌خوار خوان حضرت هستیم، به این بانوی بزرگ، عرض ادب و احترام می‌کنیم و از همین جلسه‌ی

ما که بر اساس آنچه در کتاب سنن در مورد پیامبر تشریح شده، با قلم خیال، در صفحه‌ی دل، از جمال حضرت تصویری داریم و چاره‌ای جز این نداریم. بعد هم این تصویر را به دست عشق سپرده‌ایم که هر چه می‌تواند به آن برسد.

یاد آن جمله می‌افتم که در زیارت پیامبر اعظم آمده که خدایا! ما ندیده عاشق شده‌ایم! بعد بلافاصله می‌گوید: نکند از دیدارش در قیامت محروم شویم؟! همه‌ی عشق ما این است که بعد از سفر از این سراج، ان‌شاءالله شرفیاب شویم و حضرتش را زیارت کنیم.

در هر صورت، به لحاظ خلقی این‌گونه بوده‌اند. شباهت در خلق، کار حضرت حق است و صورتگری دستگاه الهی. امام حسین (علیه السلام) دیوانه و مجنون پیامبر بودند. حضور حضرت

است. بعد هم حضرت دعا کردند که: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلِي هُوَ لِأَيِّ الْقَوْمِ...» [۲] حضرت به صورت خلاصه ایشان را در مقام دعا و راز و نیاز معرفی می‌کند.

۴. وجوه مختلف شباهت حضرت علی اکبر به پیامبر

الف) شباهت جسمی

«خُلُقًا وَ خَلْقًا وَ مَنْطِقًا»، شبهه الناس به پیامبر است؛ آن قدر که هر زمان برای دیدن پیامبر دلتنگ می‌شدند، به او نگاه می‌کردند. کپی برابر اصل بودند. شباهت خلقی شگفت‌انگیزی داشته‌اند و اصحابی که پیامبر را زیارت کرده بودند، هنگام دیدن حضرت علی اکبر به اشتباه می‌افتاده‌اند و مکرر نقل شده که وقتی ناگهانی حضرت علی اکبر را می‌دیدند، فکر می‌کردند که پیامبر برگشته و جوان شده است.

حقیقت، ایشان را اشیبه به پیامبر می‌دانند. پیامبر در حسن خلق و مکارم اخلاق که بود؟! حال می‌گوید که علی‌اکبر از همه به او شبیه‌تر است. این کلام اولاً بیانگر آن سرمایه‌گذاری توسط اولیای خدا و ثانیاً بیانگر مجاهدت و خودسازی این بنده‌ی برگزیده‌ی خدا است. سیدالشهدا (علیه السلام) نگفته‌اند او شبیه پیامبر یا نزدیک پیامبر است؛ بلکه می‌فرماید اشیبه به پیامبر است. در مورد منطق هم دو ملاحظه است. ما یا منطق را باید به حسب ظاهر، به معنای سخن بگیریم یا به حسب باطن، به معنای اندیشه و فکر. به نظر می‌رسد هر دو را قبول کنیم، بهتر باشد. مضامینی داریم که نشان می‌دهد حضرت علی‌اکبر از نظر علمی و فقهی و ورود به آفاق معارف، در عالی‌ترین سطوح است. چون قبلاً گفته‌ایم خَلْقاً شبیه پیامبر است، وقتی سخن می‌گوید،

علی‌اکبر در بیت سیدالشهدا (علیه السلام)، آرامش خاطر و تأمین این نیاز قلبی بود. خدای متعال، این نیاز را به این صورت تأمین کرده بود. دلتنگی امام حسن و امام حسین و زینب کبری (علیه السلام) برای پیامبر، قابل توصیف نیست. اصطلاحی هست که می‌گویند نوه، مغز بادام است و این نوه با امیرالمؤمنین (علیه السلام) چه می‌کرده است؟! پیامبر و امیرالمؤمنین و سیدالشهدا (علیهم السلام) سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا این ثمره به بار آید.

سن حضرت علی‌اکبر، امام سجاد و حضرت عباس (علیه السلام) به هم نزدیک بوده است. در چنین محیطی شخصیت علی‌اکبر شکل می‌گیرد، می‌بالد و می‌درخشد.

ب) شباهت در اخلاق و گفتار
شباهت در جریان خلق و منطق، شگفت‌انگیز است. ولی خدا و حجت خدا در مقام شرح

گویا خود پیامبر سخن می‌گوید. وقتی علی اکبر می‌گویید، باید شبهه الناس را در ذهن بیاورید. او در قلعه‌ی معارف توحیدی و اوج آفاق قرآنی بوده است.

ج) شباهت در محاسن و مکارم اخلاق

طرف دیگر قضیه در مقام اشبهیت، مسئله‌ی حسن خلق است که بخشی، مربوط به مکارم اخلاق و بخشی مربوط به محاسن اخلاقی است. حضرت علی اکبر در حسن خلق، فوق‌العاده است و همان طور که گفتم کپی برابر اصل است و چهره‌ای دلگشا و خندان و رفتاری متین و مؤدب و دلبرانه دارد. شما به آن نسخه‌ی اصلی، یعنی پیامبر مراجعه کنید تا ببینید مسئله‌ی حسن خلق چه جایگاهی در نگاه ایشان دارد و همان حسن در حضرت علی اکبر به صورت تمام وجود دارد.

در محور مکارم، یک نکته خیلی فوق‌العاده است و آن اینکه

این ویژگی‌ها را ما در تحلیل شخصیتی در مورد وجود آن حضرت می‌دانیم. حال می‌توان به پیامبر اعظم برگشت و از جهت پروازهای معنوی و اتصال‌های فکری و ربوبی، تطبیق داد. شنیده‌اید که اهل حرم، علی اکبر را رها نمی‌کرد و خود امام حسین (علیه السلام) جهت فرستادن ایشان به میدان، مداخله کردند. آنجا حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) یک مدال به علی اکبر دادند و گفتند: «علی را رها کنید که فانی در حق تعالی است و به او اجازه دهید که مقتول فی سبیل الله است». در زیارت ناحیه‌ی کبیره، علی اکبر را اول قتل می‌دانند. این نفس حسینی بود که حرم را آرام کرد. این بیان آن افق را نشان می‌دهد و معلوم می‌شود این آقا چقدر روی خود کار کرده و زحمت کشیده و مجاهدت علمی و فکری و معرفتی و سلوکی دارد.

روحیه‌ی خدمت به خلق و جواد بودن، در ایشان واضح بوده است. ایشان مظهر جود، سخاوت، احسان، دستگیری و گره‌گشایی است. نقل شده است که همه‌ی ارجاعات در مدینه به حضرت علی‌اکبر بوده است و حضرت دارای بیت و سفره بوده‌اند.

حضرت علی‌اکبر، قبه‌العرش حسینی و پرچم افتخار خیمه‌گاه حسینی است. همه‌ی ارجاعات اباعبدالله به علی‌اکبر بود و چه میزبان کریم و آقایی بود! با وجود علی‌اکبر و بیت او، کسی در مدینه غریب نمی‌ماند.

د) شباهت در عزت و صلابت

محور دیگر هم عزت، صلابت و شکوه است. در مورد پیامبر اعظم شنیده‌اید که نرم، مهربان و لطیف بوده و همه دور او جمع می‌شده‌اند. علی‌اکبر شبه‌الناس به پیامبر در مهربانی، ملایمت و لطافت رفتار بود و

اخلاقش مثل باران بهاری ملایم و سبک بود. امیرالمؤمنین در مورد پیامبر اکرم می‌فرماید: جنگ که شعله می‌گرفت، «اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ»؛ [۳] به پیامبر پناه می‌بردیم. آن صولت حیدری و ذوالفقار علی، دورنمایی از صلابت نبی اعظم است و وجود مقدس علی، تجلی‌گاه نبی است. انسان وقتی کربلا را مطالعه می‌کند، حضور حیدری علی‌اکبر را مشاهده می‌کند. آن‌طور که فهمیده می‌شود، ظاهراً حمله‌ها در اختیار حضرت علی‌اکبر است و دفاع‌ها در اختیار حضرت عباس. هر کدام از اینها معنای خودش را دارد و به همین لحاظ، پرچم در دست حضرت عباس است که موضع دفاع را دارد؛ اما آنجا که نیاز به صولت دارد، علی‌اکبر در میدان است. علی‌اکبر با گروهش وقتی به میدان می‌رفتند، لشکر را نصف می‌کرد و جماعت مانند روباه در مقابل شیر، فرار می‌کردند و توان ایستادن نداشتند. صولت حیدری،

همه‌ی اولیا متفاوت کرده است. ان‌شاءالله خدا روزی شما کند. آن قسمت پایین خیلی خبرها هست. امام حسین (علیه السلام) دو باب دارد. اول تشرّف، محضر حضرت عباس (علیه السلام) وارد شوید و خودتان و قلب و فکر خود را به حضرت بسپارید و بگویید مرا مهیای تشرّف به محضر سیدالشهدا (علیه السلام) کن. حضرت استاد این کار است؛ منتها باید بروید و بنشینید و وقوف داشته باشید و حتی شاید لازم باشد چند بار بروید. حضرت عباس (علیه السلام) شما را به دست علی اکبر می‌دهد که باب دوم است و آنجا اتفاقات دیگری می‌افتد. این را هم از جلسه‌ی شعبانیه‌ی ما مد نظر داشته باشید و هر وقت مشرف شدید، در مقام عباس و مقام علی اکبر وقوف داشته باشید.

این‌گونه در آن شخصیت بزرگ طلوع می‌کرده است و دشمن در برابر او ذلیل و خوار می‌شد. در واقع این مباحث هم شرح آیات قرآنی و تفسیر صحیفه‌ی مبارکه است و تأویل آن، علی اکبر (علیه السلام) است. جمله‌ای را که در مورد حضرت لیلا گفتم، بیانگر این بود که حضرت لیلا نقش تربیتی و جنبه‌ی فاطمی داشتند. شما در تمام زیارت‌نامه‌ها هنگام زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) باید نام علی اکبر را هم بیاورید تا کار به سرانجام برسد. در زیارت عاشورا هم همین است و گر چه همه را می‌گویی، اما او را باید به اسم بگویی؛ چراکه خیلی خاص است.

دو باب تشرّف به محضر حضرت ابا عبدالله (علیه السلام)

حضرت علی اکبر، ضریح
اباعبدالله (علیه السلام) را از ضریح

نقشه‌ی خودسازی جوانِ پیرو اهل بیت

به آن سیره مراجعه کنند و این مراجعات در ضمن خود امداد دارد و کمک می‌کند و دستگیری می‌کند و کرده است. جوانان فراوانی در جمهوری اسلامی به جایی که باید می‌رسیدند، رسیدند. چقدر امیدبخش است که آدم ببیند کسی ایستاده و او را یاری می‌کند و مدد می‌رساند!

دستگاه‌های جمهوری اسلامی نباید کم بیاورند و همین روش تربیت حماسی که طبق همین قواعد تربیتی استخراج شده را پیگیری کنند و ببینند که به کجا خواهند رسید! چرا این قدر مرعوب و خسته و بی حال هستند و در برابر هیمنه‌ی سبک زندگی غربی و وارداتی، دست و پای خود را گم می‌کنند؟! کسی که علی اکبر را دارد، حق ندارد کم بیاورد و منفعل باشد. خروجی این دستگاه تربیتی و خلاصه‌ی آن، حضرت علی اکبر است.

این هندسه‌ی شخصیت حضرت علی اکبر است. وقتی شما به این مجموعه، عنصر جهاد به معنای فراگیر کلمه را اضافه می‌کنید، یک چندضلعی ایجاد می‌شود که نقشه‌ی خودسازی جوانِ پیرو اهل بیت است. جمع بین لطافت، عزت، صلابت و جهاد، مهم است. نصاب جوانِ جمهوری اسلامی و عیار آن، حضرت علی اکبر (علیه السلام) هستند.

شما ببینید که چه باید بکنیم؟ تحول بنیادین آموزش و پرورش و... باید روی این اصل اتفاق بیفتد. هنوز راه زیادی مانده است و آنها که اهل دقت هستند، وقتی این فاصله را می‌بینند، گاهی کم می‌آورند. سیره‌ی تربیتی حوزه‌های علمیه‌ی ما کجا منطبق بر سیره‌ی تربیتی علی اکبر (علیه السلام) است؟ همه باید دائم

از این فرصت استفاده کند، می‌بیند که در سنین بالاتر چه می‌شود. همین الان شما کسی جوان‌تر از آقای خودمان در این عالم می‌شناسید؟! ایشان در قرب هشتادسالگی، از نظر صفات مربوط به جوانی، طراوت، نشاط، مجاهدت، خستگی‌ناپذیری و خطر کردن، شاخص هستند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «خُضِ الْغَمْرَاتِ لِلْحَقِّ»؛ [۴] به دل دریای خطرها بزن و جلو برو.

خدا ان‌شاءالله عاقبت‌ها را به‌خیر کند و علی‌اکبری زندگی کنیم، علی‌اکبری بمیریم و با علی‌اکبر محشور شویم.

تلاش برای حضور حداکثری در انتخابات

ان‌شاءالله در این انتخابات هم با همه‌ی این قضایا، خواسته‌ی رهبر حکیم که مخاطرات را می‌بیند، فراهم شود. آنچه خیلی مهم

ان‌شاءالله او برای همه‌ی ما شفیع مشفّع است. این روزها صلوات شعبانیه را می‌خوانیم و می‌بینیم که چه هدف‌گذاری‌های بزرگی در آن شده است.

اهمیت دوران جوانی در خودسازی

جوانان و کسانی که نصیب از دوران جوانی دارند، قدر جوانی خود را بدانند که سرمایه‌ای خاص است و می‌توانند با آن کارهای بزرگ کنند. آقا از یکی از بزرگان - که من می‌دانم منظورشان کیست - نقل کرده‌اند که در یک مکاشفه می‌بیند که جوان‌هایی می‌آیند و سرعت می‌گیرند و از روی موانع سخت می‌پرند و عبور می‌کنند و برخی پیرها به مانع برخورد می‌کنند. آقا می‌فرمودند که می‌خواسته بگویند در جوانی توان خاصی برای سیر و سلوک هست؛ لذا باید قدرش را دانست. اگر کسی

است، حضور حداکثری است و رفقا برای این قضیه، هم کار کنند و هم دعا کنند و هم توسل. دعا را دست‌کم نگیرید که هر کس نفسی دارد. ان‌شاءالله دعای آقا در این زمینه مستجاب شود و حضور خوبی رخ دهد و انتخاب خوبی انجام شود که باعث خوشحالی مؤمنین و اهل ولا شود.



منابع و مأخذ

- [۱]. آل عمران: ۳۳.
- [۲]. سیدمحسن امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۰۷.
- [۳]. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۸.
- [۴]. نهج البلاغه، نامه ۳۱.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر